

تحلیل وجه جمع روایات حاکی بر «وظیفه حائض بعد از احرام عمره تمتع»

بلال شاکری^۱ و محمدتقی فخلعی^۲

چکیده

یکی از مشکلاتی که زنان هنگام عزیمت به مکه مکرمه برای انجام فریضه حج با آن مواجه هستند، وقوع عادت ماهانه بعد از احرام عمره تمتع است؛ مشکلی که فقیه در حل این مسئله با آن مواجه است، وجود روایت‌های مختلف و متعارض است. برای حل تعارض بین روایت‌ها و مشخص شدن حکم نهایی در این باره دو روش مطرح شده است؛ نخست شیوه مشهور که متکی بر سنجش دوبه‌دوی دلیل‌های متعارض است. در این فرض شش حکم مختلف و گاه متعارض نسبت به مسئله یادشده به دست می‌آید و تعارض حکم‌های استخراج‌شده، مشکل روش این دسته از فقیهان است. دوم شیوه و نظریه انقلاب نسبت است که بر اساس این شیوه نیز بالغ بر ده نوع احتمال سنجش متفاوت بین دلیل‌ها وجود دارد که هریک به نتیجه‌های متفاوتی منتهی می‌شود مشکل این روش ترجیح بلامرجه بودن تقدم هریک از نسبت‌سنجی‌هاست. اما به نظر می‌رسد می‌توان با تحلیل و تطبیق دو مدل مطرح شده در فرع فقهی فوق و استخراج ضابطه‌هایی برای چگونگی ترجیح نسبت‌سنجی‌های مختلف، این مشکل را برطرف کرده و ثمره پذیرش نظریه انقلاب نسبت را در فرع فقهی بیان‌شده به خوبی نشان داد.

واژگان کلیدی: احرام، عمره تمتع، انقلاب نسبت، روش حل تعارض، مُحرم حائض.

۱. دانشجوی دکترا، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) (b.shakeri@iran.ir)

۲. استاد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (fakhlai@um.ac.ir)

مقدمه

یکی از مواجهه‌های اصلی فقیه در فروع فقهی، دلیل‌های متعارضی است که ممکن است درباره یک فرع فقهی وارد شده باشد. مشکل آنجا بیشتر می‌شود که دلیل‌های متعارض بیش از دو دلیل باشد. در موارد تعارض دو دلیل قواعد باب تعارض به خوبی منقح و تبیین شده است و فقیه بر اساس آنها به قضاوت و انتخاب بین دلیل‌های متعارض می‌پردازد و حکم را استخراج می‌کند. اما در مواردی که بیش از دو دلیل متعارض در مسئله وارد شده باشد، کار کمی پیچیده‌تر و سخت‌تر می‌شود.

درباره چگونگی حل تعارض بین دلیل‌های متعدد متعارض، دو روش مطرح شده است:

۱. روش مشهور فقها، که در آن معتقدند رابطه بین دلیل‌های متعارض به صورت دویه‌دو و مستقل از دیگر دلیل‌ها سنجیده و حکم شرعی استخراج می‌شود؛

۲. روش ارائه‌شده توسط ملا احمد نراقی که در آن معتقد است باید به تمام رابطه‌های موجود بین دلیل‌های متعارض توجه کرده و بر اساس سنجش آنها حکم را استخراج کرد. این روش در ادبیات اصولی پس از وی به نظریه انقلاب نسبت شهرت یافته است. (ر.ک: شاکری و دیگران، ۱۳۹۹ش، ج ۲۴، ص ۳۳ - ۶۴)

این دو شیوه حل تعارض با توجه به نمونه‌های فراوان فقهی‌ای که در تعارض بیش از دو دلیل وجود دارد،^۱ ممکن است به نتیجه‌های متفاوتی در استنباط حکم شرعی منتهی شود. بنابراین انتخاب یکی از دو روش حل تعارض، نقش مهمی در برون‌داد عمل استنباطی فقیه به منزله فتوای وی خواهد داشت.

۱. ثمره‌های فقهی نظریه انقلاب نسبت فراوان است. به گونه‌ای که محقق خوبی در این‌باره می‌گوید: «موارد ابتلای به نظریه انقلاب نسبت در فقه فراوان بوده، و در بیشتر ابواب فقه، بین بیش از دو دلیل، تعارض وجود دارد». (ر.ک: واعظ‌الحسینی بهسودی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۶۷)

اما توجه به تطبیق‌ها و نمونه‌های عینی اثرگذاری این دو روش حل تعارض، کمتر بررسی و تحلیل شده است؛ اگرچه در برخی کتب فقهی و اصولی به برخی مسئله‌های فقهی که ثمره‌های این اختلاف شمرده می‌شود، اشاره شده است؛

در برخی مقاله‌های نگارش یافته، مانند مقاله «تأثیر پذیرش نظریه انقلاب نسبت در کیفیت تداخل عده» نوشته سیدمحمد رضوی، به ثمره نظریه انقلاب نسبت در مسئله تداخل عده اشاره شده است. در این راستا انتخاب موضوع این جستار آن را از جهاتی متمایز می‌کند و این جهات عبارت است از:

۱. مبتلابه و پرکاربرد بودن فرع فقهی برای زنان محرم، که طبق جست‌وجوی انجام شده پیش‌تر بدان پرداخته نشده است.
۲. بررسی تمام احتمال‌ها و فرض‌هایی که در مسئله وجود دارد.
۳. بیان اشکال هر دو روش حل تعارض بر اساس آنچه در کتاب‌های فقهی و اصولی، معروف و مرسوم است.
۴. جریان نظریه انقلاب نسبت بر اساس ضابطه‌های شناسایی شده جهت تطبیق منطقی آن و حل اشکال مطرح شده.

کوتاه‌سخن اینکه در پژوهش حاضر با مراجعه به کتاب‌های حدیثی و تحلیل رابطه روایت‌های مطرح در مسئله وظیفه زن محرمی که ایام عادت ماهانه او فرامی‌رسد، به توصیف و تحلیل انواع حل تعارض مطابق دو روش بیان شده خواهیم پرداخت و در نهایت روش پذیرفته را برای رفع تعارض روایت‌ها بیان خواهیم کرد.

پیش‌فرض‌ها و مبانی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس برخی مبانی و پیش‌فرض‌ها تنظیم شده است که به شرح ذیل است:

۱. انقلاب نسبت به مثابه یک نظریه روش‌شناسانه در علم اصول مد نظر

است که ناظر به تمام مرحله‌های حل تعارض در مواردی است که بیش از دو دلیل متعارض وجود دارد و می‌توان آن را چنین تعریف کرد: «انقلاب نسبت روشی برای جریان قاعده‌های باب تعارض، در موارد تعارض بیش از دو دلیل است که بر اساس این روش به تمام رابطه‌ها و نسبت‌های موجود بین دلیل‌های متعارض توجه می‌شود و بر اساس ضابطه‌ها و قرینه‌های مشخص، قاعده‌های باب تعارض را میان دلیل‌ها جاری می‌کند».

۲. تقریب ملاحمد نراقی از نظریه انقلاب نسبت با تبیین مشهور تفاوت‌هایی دارد. آنچه در این اثر مد نظر است بر پایه تقریب ملاحمد نراقی از این نظریه است. (ر.ک: شاکری و دیگران، ۱۳۹۹ش، ش ۲۴، ص ۳۳ - ۶۴)

۳. دیدگاه مشهور در حل تعارض بین دلیل‌های متعدد با مشکل تعارض نتایج و تسلسل نسبت‌سنجی‌ها مواجه است. (ر.ک: نراقی، ۱۳۷۵ق، ص ۳۵۰ - ۳۵۳؛ ر.ک: شاکری و دیگران، ۱۳۹۹ش، ش ۲۴، ص ۳۸ - ۴۴)

۴. تطبیق نظریه انقلاب نسبت نیز بر اساس آنچه مرسوم است و همچنین اکتفای به بیان مختصر نراقی، با مشکل ترجیح بلامرجح مواجه است. (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۸۰؛ واعظ‌الحسینی بهسودی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۶۴؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۰۱ و ۳۰۳؛ عراقی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۸۳؛ کاظمی خراسانی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۷۴۳؛ آشتیانی، بی‌تا، ص ۴۸۴؛ صافی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۳۳۳؛ فرحی، ۱۳۸۶، ص ۴۳۸، حائری یزدی، ۱۴۱۸ق، ص ۶۸۲ - ۶۸۳؛ خوبی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۵۱۹؛ تقوی اشتهاردی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۵۰۴ و ۵۰۵؛ اراکی، ۱۴۱۳ش، ص ۲۷۹ - ۲۸۰)؛ چون در نسبت‌سنجی بین دلیل‌های متعارض متعدد، احتمال‌ها و فرض‌های مختلفی قابل طرح است و تقدیم هریک بر دیگری با توجه به تأثیری که در نتیجه نهایی

دارد، ترجیح بلامرجح است.

۵. بر اساس ضابطه‌هایی می‌توان نسبت به تقدم نسبت‌سنجی‌ها مطابق نظریه انقلاب نسبت اقدام کرد، تا مبتلا به اشکال ترجیح بلامرجح نشد. (ر.ک: شاکری، ۱۳۹۶ش، ج ۶، ص ۲۹ - ۴۴)

بیان روایت‌ها

زنی که به حج تمتع رفته است، اگر ایام عادت او فرا برسد و فرصت نداشته باشد که پاک شود و اعمال را انجام دهد، چه وظیفه‌ای دارد؟
در این باره چند دسته روایت وجود دارد:

۱. برخی روایت‌ها می‌گویند، حج را تبدیل به افراد کند و عمره را بعد از حج انجام دهد.^۱ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۹۰)
۲. برخی روایت‌ها دلالت دارد بر اینکه طواف عمره را به تأخیر اندازد و سعی را انجام دهد، سپس برای حج محرم شود و قضای طواف عمره را با طواف حج انجام دهد.^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۴۵)
۳. گروه سومی بیان می‌کند اگر قبل از حیض محرم به تمتع شده است، طواف عمره را به تأخیر اندازد و سعی را انجام دهد، سپس برای حج محرم شود و قضای طواف عمره را با طواف حج انجام دهد؛ اما اگر قبل از احرام

۱. صحیحہ صفوان و ابن ابی عمیر و جمیل از امام صادق علیه السلام: قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ الْحَائِضِ إِذَا قَدِمَتْ مَكَّةَ يَوْمَ التَّوْبَةِ قَالَ: «تَمْضِي كَمَا هِيَ إِلَى عَرَفَاتٍ فَتَجْعَلُهَا حَجَّةً ثُمَّ تُقِيمُ حَتَّى تَطْهَرُ وَتَخْرُجَ إِلَى التَّنْعِيمِ فَتُخْرِمَ فَتَجْعَلُهَا عُمْرَةً».

۲. صحیحہ علاء بن صبیح و عبدالرحمن بن حجاج و علی بن رئاب و عبیدالله بن صالح از امام صادق علیه السلام: «الْمَرْأَةُ الْمُتَمَتِّعَةُ إِذَا قَدِمَتْ مَكَّةَ ثُمَّ حَاضَتْ تُقِيمُ مَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ التَّوْبَةِ فَإِنْ طَهَّرَتْ طَافَتْ بِالْبَيْتِ وَ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَإِنْ لَمْ تَطْهَرُ إِلَى يَوْمِ التَّوْبَةِ اغْتَسَلَتْ وَ احْتَسَّتْ ثُمَّ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ ثُمَّ خَرَجَتْ إِلَى مَيْمَنَةٍ فَإِذَا قَصَبَتِ الْمُنَابِكَ وَ زَارَتْ الْبَيْتَ طَافَتْ بِالْبَيْتِ طَوَافًا لِعُمْرَتِهَا ثُمَّ طَافَتْ طَوَافًا لِلْحَجِّ ثُمَّ خَرَجَتْ فَسَعَتْ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ أَحَلَّتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مِجْلٌ مِنْهُ الْمُحْرِمُ إِلَّا فِرَاشَ زَوْجِهَا فَإِذَا طَافَتْ أُسْبُوعًا آخَرَ حَلَّ لَهَا فِرَاشُ زَوْجِهَا».

حیض شده است، حج را تبدیل به افراد کند و عمره را بعد از حج انجام دهد.^۱
(همان، ج ۴، ص ۴۴۷)

۴. گروهی دیگر از روایات دلالت دارند، اگر بعد از شوط چهارم حیض شود، حج تمتع صحیح است.^۲ (همان، ج ۴، ص ۴۴۹)

رابطه دلیل‌ها

رابطه چهار دسته روایت ذکر شده به شرح ذیل است:

۱. دو دسته اول متباین است؛ چون دسته اول عدول به افراد را مطرح می‌کند که نشان‌دهنده بطلان حج تمتع است، به خلاف دسته دوم که حج تمتع را تمام می‌داند.

۲. دسته سوم اخص مطلق از دسته اول و دوم است و به لحاظ منطوقی هر دو دسته قبل را تخصیص می‌زند

۳. دسته چهارم نیز اخص مطلق از دسته اول و دوم است. تفاوتش با دسته سوم این است که این دسته به لحاظ منطوقی و مفهومی متوجه دو دسته اول است؛ یعنی منطوق روایت می‌گوید بعد از شوط چهارم، حج تمتع صحیح است (مخالف دسته اول)، اما مفهومی این است که قبل از شوط چهارم، حج تمتع باطل است (مخالف دسته دوم) و باید تبدیل به افراد شود.

۴. اما رابطه دسته سوم و چهارم نیز عموم مطلق است؛ چون دسته سوم

۱. مرسله ابی بصیر از امام صادق علیه السلام: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ فِي الْمَرْأَةِ الْمُتَمَتِّعَةِ إِذَا أَحْرَمَتْ وَهِيَ طَاهِرَةٌ ثُمَّ حَاضَتْ قَبْلَ أَنْ تَقْضِيَ مُتَمَتِّعَهَا سَعَتْ وَ لَمْ تَطْفُفْ حَتَّى تَطْهَرَ ثُمَّ تَقْضِي طَوَائِفَهَا وَ قَدْ قَضَتْ عُمرَتَهَا وَإِنْ هِيَ أَحْرَمَتْ وَهِيَ حَائِضٌ لَمْ تَسَعْ وَ لَمْ تَطْفُفْ حَتَّى تَطْهَرَ».

۲. مرسله ابی اسحاق از امام صادق علیه السلام: أَخْبَرَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: «الْمَرْأَةُ الْمُتَمَتِّعَةُ إِذَا طَافَتْ بِالْبَيْتِ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ رَأَتْ الدَّمَ فَمُنْتَعِنَهَا تَامَّةً».

به صورت مطلق بیان می‌کند اگر حیض بعد از احرام محقق شده است، تمتع صحیح است و باید طواف عمره را به تأخیر بیندازد. درحالی‌که دسته چهارم بیان می‌کند اگر بعد از شوط چهارم، حیض محقق شده است، تمتع صحیح است و الا باید عدول به افراد کند.

بنابراین صورت مسئله از مصادیق وجود دو دلیل عام و دو دلیل خاص است که دو دلیل خاص ناظر به دو دلیل عام بوده و رابطه آنها نیز عموم مطلق است. پس دو دلیل عام، یک دلیل خاص و یک دلیل اخص در مسئله وجود دارد.

تحلیل فقهی مطابق روش منکرین نظریه انقلاب نسبت

بر اساس عدم پذیرش انقلاب نسبت، باید هر رابطه‌ای مستقل از دیگر رابطه‌ها سنجیده شود. بنابراین احکام زیر بر اساس این نوع سنجش به دست می‌آید:

۱. بر اساس قاعده‌های باب تعارض بین متباینین، در صورت تقدیم یا انتخاب دسته اول، باید به تبدیل حج تمتع به افراد حکم داده شود؛^۱ در صورت عکس، به صحت حج تمتع حکم داده می‌شود و بر اساس دستورالعمل مطرح در روایت باید حج به اتمام برسد؛ در صورت تساقط یا توقف نیز باید به دلیل دیگر که همان روایت‌های دسته سوم و چهارم است، رجوع شود. بنابراین بر اساس مبانی مختلف در این سنجش، نتیجه نهایی می‌تواند سه حکم متفاوت باشد.

۲. با توجه به رابطه عموم مطلق بین دسته اول و سوم، باید به عدول به افراد حکم شود، مگر اینکه زن قبل از حیض محرم شده باشد.

۱. همان‌گونه که برخی به دلیل عمل مشهور به دسته اول، آن را ترجیح داده و حکم به سقوط دسته دوم داده‌اند.

حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۱۱۲.

۳. بر اساس رابطه عموم مطلق بین دسته دوم و سوم، باید حکم به صحت حج تمتع و تأخیر طواف عمره و انجام قضای آن با طواف تمتع حکم داد؛ مگر در صورتی که زن قبل از احرام، حیض شده باشد که در این صورت عدول به افراد لازم است.

۴. از آنجا که دسته چهارم نیز در برابر دسته اول خاص مطلق است، نتیجه تخصیص این است که زن باید به حج افراد عدول کند؛ مگر اینکه حیض پس از شوط چهارم طواف اتفاق افتاده باشد که همان حج تمتع صحیح است.

۵. تخصیص دسته دوم به وسیله دسته چهارم نیز این نتیجه را در پی دارد که حج تمتع صحیح است؛ مگر حیض قبل از شوط چهارم طواف اتفاق بیفتد که در این صورت باید به حج افراد عدول کند.

۶. نتیجه تخصیص دسته سوم به وسیله دسته چهارم نیز چنین می‌شود: اگر حیض بعد از احرام و پس از شوط چهارم طواف اتفاق افتاده باشد، حج تمتع صحیح است؛ اما اگر حیض قبل از احرام یا بعد از احرام و قبل از شوط چهارم طواف اتفاق افتاده باشد، عدول به حج افراد لازم است و حج تمتع باطل می‌شود.

همان طور که ملاحظه می‌شود، نتیجه سنجش اول با نتیجه سنجش دوم و سوم، و همچنین سنجش چهارم و پنجم و سنجش ششم در تعارض متفاوت است. بنابراین بر اساس شیوه منکرین نظریه انقلاب نسبت، خروجی مشخصی به لحاظ حکم شرعی به دست نیامده است و مشکل تعارض نتیجه‌ها پابرجاست.

نکته جالب توجه در کلمات برخی منکرین این است که در مقام ارائه نظر نهایی گفته‌اند بین دو دسته اول، تعارض بر قرار است و به دلیل عمل مشهور به دسته اول، این دسته ترجیح داده شده است و به سقوط دسته دوم از اعتبار

حکم می‌شود. بنابراین زن باید به حج افراد عدول کند.^۱ ولی سؤال این است که چرا تنها به سنجش این دو دسته پرداخته شده و از دسته سوم و چهارم غفلت شده است؟ هرچند ممکن است گروه سوم به دلیل ضعف سندی (مرسله بودن) کنار گذاشته شود (نتیجه آن تنها حذف سنجش دوم و سوم از موارد بالاست، اما تعارض و تنافی سایر نتایج به قوت خود باقی است)، اما دسته چهارم که به اعتراف ایشان از باب حجیت و اعتبار روایت‌های اصحاب اجماع پذیرفته است، چرا در نتیجه نهایی هیچ نقشی ایفا نکرده است؟!

تحلیل فقهی مطابق روش انقلاب نسبت

بر اساس پذیرش نظریه انقلاب نسبت نیز احتمال‌های مختلفی برای نسبت‌سنجی بین دلیل‌ها وجود دارد:

۱. حل تعارض بین دو دلیل اول و بعد مقایسه نتیجه با دیگر روایت‌ها:
الف) در صورت ترجیح یا انتخاب دسته اول، سه حالت متصور است:
یک - تخصیص دسته اول با دسته سوم و مقایسه نتیجه با دسته چهارم: این سنجش تغییری در رابطه‌ها ایجاد نکرده و نتیجه نهایی لزوم عدول به حج افراد است؛ مگر در صورتی که زن پس از احرام و درحالی که چهار شوط طواف انجام داده باشد، که حج تمتعش صحیح خواهد بود.
دو - تخصیص دسته اول با دسته چهارم و مقایسه نتیجه با دسته سوم: سنجش اولیه موجب می‌شود، حکم لزوم عدول به حج افراد به صورتی مختص باشد که حیض قبل از انجام دادن چهار شوط طواف اتفاق افتاده باشد. بنابراین باید گفت عدول به افراد لازم است، مگر آنکه حیض پس از شوط چهارم طواف اتفاق بیفتد.

۱. ر.ک: حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۰۹ - ۱۱۲.

رابطه این نتیجه با دسته سوم تباین جزئی است؛ چون بر اساس عام منحصص (دسته اول) و دسته سوم در فرضی که حیض قبل از احرام اتفاق بیفتد، عدول لازم است اگر حیض پس از احرام و بعد از شوط چهارم اتفاق بیفتد، به عدم عدول و صحت حج تمتع حکم می‌شود؛ اما در صورتی که حیض پس از احرام و قبل از شوط چهارم طواف اتفاق بیفتد، تعارض دارند و عام منحصص به لزوم عدول و دسته سوم به عدم عدول حکم می‌کند. بنابراین باید در این فرض به قاعده‌های باب تعارض رجوع کرد. در صورت تقدیم عام منحصص، به لزوم عدول حکم می‌شود، و در صورت عکس، به عدم عدول حکم می‌شود؛ در صورت تساقط یا توقف باید به اصل عملی در مسئله مراجعه کرد.^۱

سه: تخصیص دسته سوم با دسته چهارم و مقایسه نتیجه با دسته اول: نتیجه تخصیص این است که اگر حیض پس از احرام و پس از شوط چهارم طواف اتفاق افتاده است، حج تمتع صحیح و عدول جایز نیست؛ در غیر این صورت عدول لازم است. این نتیجه در مقایسه با دسته اول همچنان اخص مطلق است و موجب تخصیص آن می‌شود.

نتیجه نهایی این است که عدول به افراد لازم است، مگر اینکه پس از احرام و انجام دادن چهار شوط از طواف، حیض اتفاق بیفتد که حج تمتع صحیح است.

ب) در صورت ترجیح یا انتخاب دسته دوم نیز سه حالت تصویر می‌شود:

۱. توجه به اختلاف مبنا درباره قاعده تبعیض در حجیت نیز در نتیجه نهایی این فرض تأثیر دارد. (ر.ک: شاکری

و فخلعی، ۱۳۹۹، ج ۱۸، ص ۷-۳۳)

یک - تخصیص دسته دوم با دسته سوم و مقایسه نتیجه با دسته چهارم: با توجه به رابطه عام و خاص و اخص بین سه دسته، نتیجه تخصیص دسته دوم با سوم، همان مضمون دسته سوم است که این مضمون همچنان با دسته چهارم رابطه عموم مطلق دارد، پس صحت حج تمتع تنها به فرضی مختص می‌شود که حیض پس از احرام و انجام دادن شوط چهارم طواف اتفاق افتاده باشد. در غیر این صورت، عدول لازم است.^۱

دو - تخصیص دسته دوم با دسته چهارم و مقایسه نتیجه با دسته سوم: مطابق دسته چهارم باید گفت حکم به صحت حج تمتع در دسته دوم مختص فرضی است که حیض پس از شوط چهارم طواف اتفاق افتاده باشد.^۲ این نتیجه با دسته سوم رابطه تباین جزئی دارد و همان فرض‌ها و احکام بیان‌شده در فرض دوم از موارد تقدیم دسته اول در این فرض نیز جاری است.

سه - تخصیص دسته سوم با دسته چهارم و مقایسه نتیجه با دسته دوم: همان طور که بیان شد نتیجه تخصیص صحت حج تمتع تنها در فرضی است که حیض پس از احرام و انجام دادن چهار شوط طواف اتفاق افتاده باشد. این نتیجه در مقابل دسته دوم نیز اخص مطلق و موجب تخصیص است. نتیجه نهایی این است که حج تمتع صحیح است، مگر در مواردی که حیض قبل از احرام یا پس از احرام و قبل از انجام دادن چهار شوط طواف اتفاق افتاده باشد.

ج) در فرض تساقط یا توقف، تنها دو دلیل سوم و چهارم باقی می‌-

۱. پذیرش یا عدم پذیرش تخصیص در متوافقین نیز در نتیجه نهایی این فرض تأثیر دارد.

۲. توجه به مبانی در تخصیص متوافقین، اگر منطوق دلیل مخصص باشد یا مبانی در تخصیص منطوق به مفهوم اگر مخصص مفهوم دسته چهارم محسوب شود، لازم است؛ چون مبانی مختلف می‌تواند در استخراج حکم تأثیرگذار بوده و نتیجه‌های مختلفی را در پی داشته باشد.

ماند که با توجه به رابطه عموم مطلق آنها، دسته چهارم موجب تخصیص گروه سوم شده، در فرضی می‌شود به صحت حج تمتع حکم داد که حیض بعد از احرام و پس از شوط چهارم اتفاق افتاده باشد؛ اما چنانچه حیض قبل از احرام یا پس از احرام ولی قبل از شوط چهارم اتفاق بیفتد، حج تمتع باطل است و باید به افراد عدول کند.

۲. مقایسه رابطه یکی از دو دلیل عام با خاص و اخص و سپس مقایسه نتیجه با عام دیگر: در این حالت نیز فرض‌های مختلفی به شکل زیر قابل طرح و بررسی است:

الف) مقایسه دسته اول با دسته‌های سوم و چهارم و سنجش نتیجه با دسته دوم:

یک - تخصیص دسته اول با دسته سوم، سپس سنجش با دسته چهارم و در نهایت مقایسه با دسته دوم: نتیجه سنجش دلیل اول با سوم و بعد چهارم، همان‌گونه که بیان شد، لزوم عدول به حج افراد است، مگر در صورتی که زن پس از احرام و درحالی که چهار شوط طواف را انجام داده باشد، حیض شود؛ در این صورت حج تمتعش صحیح است. این نتیجه در برابر دسته دوم خاص مطلق است، پس آن را تخصیص می‌زند. بنابراین حکم صحت حج تمتع مختص به فرضی است که حیض پس از احرام و انجام دادن چهار شوط طواف اتفاق افتاده باشد.

دو - تخصیص دسته اول با دسته چهارم، بعد مقایسه با دسته سوم و در نهایت سنجش با دسته دوم: در این صورت نیز در سنجش سه دلیل اول بیان شد، با توجه به تخصیص دسته اول با دسته چهارم، نتیجه به دست آمده با دسته سوم تباین جزئی دارد و در صورت

تحقق حیض بعد از احرام و قبل از شوط چهارم طواف، بین آنها تعارض است.

در صورت ترجیح یا انتخاب دسته اول، رابطه آن با دسته دوم عموم مطلق است. در نتیجه موجب تخصیص دسته دوم می‌شود؛ در صورتی که حیض قبل از احرام یا پس از آن اما قبل از شوط چهارم طواف اتفاق بیفتد، نتیجه نهایی حکم به لزوم عدول به افراد است؛ اما در صورت تحقق بعد از شوط چهارم، به صحت حج تمتع حکم می‌شود.

اگر دسته سوم ترجیح داده یا انتخاب شود، با توجه به رابطه عموم مطلق آن با دسته دوم، موجب تخصیص آن می‌شود. با این تفاوت که نتیجه نهایی با فرض قبل متفاوت است؛ چون حکم به صحت حج تمتع شامل حصول حیض بعد از احرام به صورت مطلق بوده و حکم به عدول در فرض حصول آن قبل از احرام است.

در صورت تساقط یا توقف نیز دسته دوم مرجع است؛ بنابراین مانند فرض قبل، حتی در فرض حصول حیض بعد از احرام و قبل از شوط چهارم طواف، به صحت حج تمتع حکم می‌شود.

سه - تخصیص دسته سوم با دسته چهارم، در ادامه سنجش نتیجه با دسته اول و در انتها مقایسه با دسته دوم: همان‌طور که گذشت، نتیجه سنجش سه دلیل اول با یکدیگر، لزوم عدول به افراد است؛ مگر اینکه پس از احرام و انجام دادن چهار شوط از طواف، حیض اتفاق بیفتد که حج تمتع صحیح است. این نتیجه در برابر دسته دوم، اخص مطلق و موجب تخصیص آن است. بنابراین افزوده شدن دسته دوم در سنجش‌ها موجب تغییری در نتیجه قبل نمی‌شود.

ب) مقایسه دسته دوم با دسته‌های سوم و چهارم و سنجش نتیجه با دسته اول:

یک - تخصیص دسته دوم با دسته سوم، سپس سنجش با دسته

چهارم و در نهایت مقایسه با دسته اول: با توجه به رابطه عام، خاص و اخص نتیجه نهایی سنجش دسته دوم، سوم و چهارم، همان مضمون دسته چهارم است. این نتیجه در برابر دسته اول نیز اخص مطلق است؛ بنابراین حکم نهایی لزوم عدول به افراد است مگر اینکه حیض بعد از شوط چهارم طواف اتفاق بیفتد که در این صورت حج تمتع صحیح است.

دو - تخصیص دسته دوم با دسته چهارم، بعد مقایسه با دسته سوم و در نهایت سنجش با دسته اول: بین عام مخصص (دسته دوم) با دسته سوم، تباین جزئی برقرار شده است و همان سه فرض تقدیم هر طرف یا تساقط و توقف که در فروض قبل مطرح شد، باید با دسته اول مقایسه شود. بنابراین در صورت ترجیح یا انتخاب دسته دوم، رابطه آن با دسته اول عموم مطلق است. در نتیجه موجب تخصیص دسته اول می‌شود و نتیجه نهایی در صورتی که حیض قبل از احرام یا پس از آن اما قبل از شوط چهارم طواف اتفاق بیفتد، حکم به لزوم عدول به افراد است اما در صورت تحقق بعد از شوط چهارم، به صحت حج تمتع حکم می‌شود.

اگر دسته سوم ترجیح داده یا انتخاب شود، با توجه به رابطه عموم مطلق آن با دسته اول، موجب تخصیص آن می‌شود؛ با این تفاوت که نتیجه نهایی با فرض قبل متفاوت است؛ چون حکم به صحت حج تمتع شامل حصول حیض بعد از احرام به صورت مطلق است و حکم به عدول در فرض حصول آن قبل از احرام است.

در صورت تساقط یا توقف نیز، دسته اول مرجع است، بنابراین در فرض حصول حیض بعد از احرام و قبل از شوط چهارم طواف، به لزوم عدول حکم می‌شود.

سه - تخصیص دسته سوم با دسته چهارم، در ادامه سنجش نتیجه

با دسته دوم و در انتها مقایسه با دسته اول: نتیجه دو سنجش اول این است که، حج تمتع صحیح است، مگر در مواردی که حیض قبل از احرام یا پس از احرام و قبل از انجام دادن چهار شوط طواف اتفاق افتاده باشد. این نتیجه اخص مطلق از دسته اول است. پس حکم عدول به افراد تنها مختص به دو فرض حیض قبل از احرام یا قبل از اتمام شوط چهارم طواف است.

تحلیل فقهی مسئله بر اساس ضابطه‌مهندسازی نظریه انقلاب نسبت

چنانکه ملاحظه می‌شود، با وجود انواع سنجش‌ها و احتمال‌های مختلف در مسئله اشکال اساسی به نظریه انقلاب نسبت، یعنی ترجیح بلامرجح بودن تقدیم هر یک از نسبت‌سنجی‌ها بر دیگری، به خوبی نمایان می‌شود. آنچه از این نظریه در ادبیات اصولی تا کنون به طور شایع گفته شده است، با این مشکل مواجه است و با وجود چنین اشکالی باید به منتقدان نظریه حق داد.

اما اشکال ترجیح بلامرجح را می‌توان با ضابطه‌مهندسازی نظریه بر طرف کرد؛ ضابطه‌هایی که خود پذیرفته شده است و می‌تواند سیر منطقی سنجش بین دلیل‌های مختلف را تبیین کند. بنابراین چنانچه بر اساس ضابطه‌های شناسایی شده نسبت به اجرایی‌سازی نظریه انقلاب نسبت عمل شود، نتیجه به‌دست‌آمده بر اساس سیری منطقی حاصل می‌شود و تقدیم نسبت‌سنجی‌ها با مشکل ترجیح بلامرجح نیز مواجه نمی‌شود.

در ادامه به حل تعارض بر اساس نظریه انقلاب نسبت، بر اساس ضابطه‌های شناسایی شده توجه می‌شود. خلاصه ضابطه‌های مزبور را می‌توان در نمودار زیر ترسیم کرد: (ر.ک: شاکری، ۱۳۹۶ش، ص ۲۹ - ۴۴)

بر اساس این ضابطه‌ها می‌توان به صورت زیر به نسبت‌سنجی بین چهار دسته روایت پرداخت: ^۱ با توجه به اینکه تنها مشکل بین روایت‌ها تعارض آنهاست، ظهور بدوی نیز برای هر چهار دسته شکل گرفته است، دو دسته اول نیز هر دو مطلق است و دو دسته اخیر مقید؛ آن هم به صورت قید منفصل. هیچ‌یک از این گام‌ها و ضابطه‌ها تأثیری در نسبت‌سنجی ندارد.

در چند گام بعدی نیز ضابطه‌های مطرح‌شده موجب تقدیم نسبت‌سنجی معینی نمی‌شود؛ چون به لحاظ زمان صدور نیز تقدم و تأخری وجود ندارد و چهار دسته روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است. به لحاظ تعارض در موضوع یا متعلق نیز تفاوتی وجود ندارد و مشکل در ناحیه متعلق حکم است؛ چون موضوع در تمام روایت‌ها زن حائض است، اما اینکه وظیفه و تکلیف او چیست و چه عملی را باید مرتکب شود، بین روایت‌های مطرح‌شده تنافی وجود دارد. هیچ‌یک از دلیل‌ها هم در ناحیه مقتضی دلیل دیگر دخالتی ندارد، بلکه نقش مانع را در برابر یکدیگر دارد. گام بعدی بررسی قوت ظهور دلیل‌هاست که آیا در بین روایت‌های متعارض دلیل نص یا اظهاری وجود دارد یا خیر تا ابتدا رابطه آنها سنجیده شود. بر این اساس چون دو دلیل خاص در برابر دو دلیل عام وجود دارد، ظهور آنها قوی‌تر است. در بین دو دلیل خاص نیز یک خاص و دیگر اخص است و ظهور دلیل اخص از دلیل خاص قوی‌تر است. بنابراین ابتدا رابطه دلیل خاص و اخص سنجیده می‌شود.

در صورتی که تقیید متوافقین پذیرفته شود، دلیل اخص در ناحیه وقوع

۱. لازم به ذکر است، ممکن است در پذیرش یا عدم پذیرش برخی ضابطه‌های بیان‌شده اختلاف‌های وجود داشته باشد. آنچه در ادامه تطبیق می‌شود بر اساس ضابطه‌های بیان‌شده در نمودار است که نگارنده تمام این ضابطه‌ها را پذیرفته است. لذا در متن مقاله تطبیق این ضابطه‌ها تا جایی پیش می‌رود که نتیجه سنجش بین دلیل‌ها مشخص شود. اما چنانچه در هر مرحله‌ای هریک از ضابطه‌ها پذیرفته نشود، مانند تقدم و تأخر زمانی صدور روایت‌ها که مورد انکار برخی است، آن ضابطه از سیر تطبیق ضابطه‌های بیان‌شده حذف می‌شود و باید سراغ ضابطه بعدی رفت. چنانچه بر اساس ضابطه‌های بیان‌شده تا انتها پیش رفته شود و مشکل تعارض بین دلیل‌های متعدد برطرف نشود، آن‌گاه بین تمام آنها تعارض مستقر ثابت است و باید بر اساس مبانی مختلف در تعارض (یعنی تخییر، تساقط یا توقف) عمل کرد.

حیض پس از احرام، موجب تخصیص می‌شود و حکم صحت حج تمتع به فرضی مختص می‌شود که زن پس از شوط چهارم طواف، حائض شود. نتیجه این سنجش لزوم عدول به حج افراد در فرضی است که حیض قبل از احرام وقوع یابد؛ اما اگر زن پس از احرام و انجام دادن شوط چهارم طواف حائض شود، به صحت حج تمتع حکم می‌شود. ولی این نتیجه نسبت به وقوع حیض پس از احرام و قبل از شوط چهارم ساکت است. این نتیجه با دو دسته اول رابطه عموم مطلق دارد، بنابراین به لحاظ قوت ظهور مقدم است و موجب تخصیص آنها می‌شود. از آنجا که روایت سوم دارای دو بخش است که ناظر به دو دلیل اول است، به صورت همزمان و بدون تقدم و تأخر موجب تقيید آنها می‌شود. در واقع تقابل این سه دلیل مانند جایی است که دو دلیل مطلق متعارض وجود دارد که هریک از دو دلیل مطلق نیز دارای دلیل مقید است که با تقيید آنها تعارض مرتفع می‌شود.

نتیجه:

دسته اول که به لزوم عدول حکم می‌کند مقید می‌شود به اینکه نباید حیض پس از احرام و انجام دادن شوط چهارم طواف باشد. پس در صورتی که زن قبل از احرام یا پس از آن و قبل از انجام دادن شوط چهارم طواف حائض شود، باید به حج افراد عدول کند.

دسته دوم نیز که به صحت حج تمتع حکم می‌کند، به عدم حیض قبل از احرام مقید می‌شود. بنابراین اگر حیض پس از احرام واقع شود، حج تمتع صحیح است. چنان‌که ملاحظه می‌شود در بخشی از مدلول دسته اول و دوم، تعارض منتفی شد؛ یعنی هنگام وقوع حیض قبل از احرام، به عدول حکم می‌شود و در زمان وقوع آن پس از انجام دادن شوط چهارم طواف، به صحت حج تمتع حکم می‌شود. اما در فرض وقوع حیض پس از احرام و قبل از انجام دادن شوط چهارم طواف، تعارض همچنان باقی است؛ بنابراین باید بر اساس قاعده‌های باب تعارض عمل کرد. در صورت ترجیح یا انتخاب دسته اول، به

لزوم عدول حکم می‌شود؛ در صورت عکس، به صحت حج تمتع حکم می‌شود؛ در صورت تساقط یا توقف نیز باید به اصول عملیه مراجعه کرد. به نظر می‌رسد اصل جاری در این فرض، استصحاب صحت حج تمتع است که زن به نیت آن محرم شده است و بخشی از اعمال را نیز انجام داده است.

تمام جمع‌بندی انجام‌شده بر اساس پذیرش تقیید در متوافقین بود؛ اما چنانچه در متوافقین تقیید پذیرفته نشود، دلیل اخص تنها موجب تأکید حکم صحت حج تمتع بعد از وقوع حیض پس از احرام و انجام دادن شوط چهارم طواف است؛ اما حکم صحت برای فرض پس از احرام و قبل از شوط چهارم نیز باقی است. در این صورت با توجه به اینکه دلیل سوم دارای دو بخش است، که هر بخشی ناظر به یکی از دو دسته اول است، در مقام عمل با دو دلیل عام مواجهیم که در برابر هریک دلیل خاصی وجود دارد و این دو خاص موجب تخصیص دو دلیل عام می‌شود و تعارض بین آنها منتفی می‌شود. نتیجه نهایی این است که اگر زن قبل از احرام حائض شود، باید به حج افراد عدول کند، اما اگر پس از احرام حائض شود، حج تمتع وی صحیح است و باید مطابق شیوه بیان‌شده در روایت، اعمال خود را به پایان برساند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته نتیجه‌های زیر از پژوهش حاضر به دست می‌آید:

۱. با توجه به وجود روایت‌های متعدد درباره وظیفه زن محرم که ایام عادت او فرا رسیده است، بیش از دو دلیل متعارض وجود دارد.
۲. نتیجه حل تعارض بین دلیل‌های متعدد متعارض در این مسئله روش منکرین نظریه انقلاب نسبت و روش انقلاب نسبت، تفاوت است که نشان از تأثیرگذاری پذیرش نظریه انقلاب نسبت و عدم پذیرش آن در استنباط فقهی دارد.
۳. سنجش دلیل‌های متعارض بر اساس مقایسه دویه‌دوی دلیل‌ها، مستقل و

بدون در نظر گرفتن سایر روایت‌ها، که منکرین نظریه انقلاب نسبت بدان معتقدند، مبتلا به مشکل تعارض، دور و تسلسل است و چنانچه ایشان نخواهند به این اشکال مبتلا شوند، باید در مقام عمل بر پایه نظریه انقلاب نسبت اقدام کنند.

۴. حل تعارض مطابق با نظریه انقلاب نسبت نیز با توجه انواع رابطه‌ها و سنجش‌های متعددی که می‌توان بین دلیل‌ها اعمال کرد، چنانچه بدون ضابطه و بر اساس ذوق و سلیقه فقیه اعمال شود، به اشکال ترجیح بلامرجح دچار است.

۵. پذیرش یا عدم پذیرش ضابطه‌های شناسایی شده و همچنین برخی اختلاف مبانی در بحث‌های مربوط به تعارض دلیل‌ها می‌تواند موجب تغییر در نتیجه شود.

۶. بر اساس ضابطه‌های مورد پذیرش نگارندگان و مبانی مختلف باب تعارض، نتایج فقهی زیر نسبت به وظیفه زن محرم حائض به دست می‌آید:

الف) در صورتی که تقیید متوافقین پذیرفته شود، در صورت فرا رسیدن ایام عادت قبل از احرام، عدول به حج افراد لازم است؛ در صورت فرا رسیدن ایام عادت بعد از احرام و انجام دادن شوط چهارم طواف، حج تمتع صحیح است و باید مطابق دستور مطرح شده در روایت عمل شود؛ در صورت فرا رسیدن ایام عادت بعد از احرام و قبل از انجام دادن شوط چهارم طواف، فتوا بر اساس مبانی مختلف در باب تعارض متفاوت می‌شود؛ چنانچه به ترجیح یا تخییر قائل شویم و روایت دال بر لزوم عدول برگزیده شود، عدول به افراد لازم است؛ در صورتی که روایت دال بر صحت حج تمتع برگزیده شود، باید حج را مطابق دستور بیان شده تمام کند؛ بنابر قائل شدن به تساقط یا توقف، به اصل استصحاب صحت حج تمتع تمسک شده و به ادامه حج طبق دستور روایت حکم داده می‌شود.

ب) در صورت عدم پذیرش تقیید در متوافقین، عدول به افراد لازم است، اگر قبل از احرام ایام عادت فرارسد؛ اما اگر پس از احرام این زمان فرارسد، حج تمتع وی صحیح است و باید مطابق دستور آن را به اتمام برساند.

منابع

- بهار، ۷ - ۳۳.
۹. شاکری، بلال و فخلعی، محمدتقی و حائری، محمدحسن (۱۳۹۹ش). «ماهیت انقلاب نسبت (نگاهی نو به روش‌شناسی ملا احمد نراقی در حل تعارضات)»، پژوهش‌های اصولی، ۲۴، پاییز، ۳۳ - ۶۴.
۱۰. صافی، لطف‌الله (۱۴۲۸ق). بیان الأصول، قم، دایرة التوجیه و الارشاد الدینی فی مکتب المرجع الدینی آیه‌الله العظمی الشیخ لطف‌الله الصافی الگلپایگانی ج ۱، ج ۳.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام، مصحح: حسن موسوی خراسانی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ج ۴، ج ۵.
۱۲. عراقی، ضیاء‌الدین، (۱۴۲۰ق). مقالات الأصول، قم، مجمع الفکر الإسلامی، ج ۱، ج ۲.
۱۳. فرحی، سیدعلی (۱۳۸۶ق). تحریر الأصول (تقریرات درس میرزاهاشم آملی)، قم، مکتبة الداوری، ج ۱.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۴، ج ۴.
۱. آشتیانی، محمود (بی‌تا). حاشیة علی درر الفوائد، قم، مولف، ج ۱.
۲. اراکی، محمدعلی (۱۴۱۳ق). رسالہ فی الخمس، قم، مؤسسه در راه حق، ج ۱.
۳. تقوی اشتهاردی، حسین (۱۴۱۸ق). تنقیح الأصول، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ج ۴.
۴. حائری یزدی، عبدالکریم (۱۴۱۸ق). درر الفوائد، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۶.
۵. حسینی روحانی، سیدصادق (۱۴۱۲ق). فقه الصادق علیه السلام، قم، دارالکتاب، ج ۱، ج ۱۰.
۶. خویی، سیدابوالقاسم (۱۳۵۲). أجود التقریرات (تقریرات درس محمدحسین نائینی)، قم، مطبعة العرفان، ج ۱، ج ۲.
۷. شاکری، بلال (۱۳۹۶ش). «ضابطه‌مندسازی نظریه انقلاب نسبت»، جستارهای فقهی و اصولی، ۶، بهار، ۲۹ - ۴۴.
۸. شاکری، بلال و فخلعی، محمدتقی (۱۳۹۹ش). «واکاوی قاعده تبعیض در حجیت»، جستارهای فقهی و اصولی، ۱۸،

١٥. كاظمى خراسانى، محمدعلى (١٣٧٦). سيدمحمدباقر صدر)، قم، مؤسسه دائرة
فوائد الأصول (تقريرات درس محمدحسين
نائينى)، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم،
بيت اهل بيت، ج ٣، ج ٩.
ج ١، ج ٤.
١٦. نراقى، احمد بن محمدمهدي (١٣٧٥).
عوائد الايام فى بيان قواعد الاحكام و
مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم، دفتر
تبليغات اسلامى حوزه علميه، ج ١.
١٧. واعظ حسيني بهسودى، محمد سرور
(١٤٢٢ق). مصباح الأصول (تقريرات
درس ابوالقاسم خويى)، قم، مؤسسه احياء
آثار الامام الخوئى، ج ١، ج ٢.
١٨. هاشمى شاهرودى، على (١٤١٩ق).
دراسات فى علم الأصول (تقريرات درس
ابوالقاسم خويى)، قم، مؤسسه دائرة المعارف
فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت اهل بيت، ج ١،
ج ٤.
١٩. هاشمى شاهرودى، محمود (١٤١٧ق).
بحوث فى علم الأصول (تقريرات درس